



یادداشت

کارنامه سیاه دولت جایی برای افتخار ندارد!

صادق کار



حسن روحانی در پی بالا گرفتن جدال جناح های حکومتی بر سر باز تقسیم قدرت و ثروت های کشور و در پاسخ به انتقادات و حملاتی که از جانب رقبای حکومتی اش به وی می شود گفت، سال گذشته ۲۸ میلیارد صادرات غیر نفتی و ۳۰ میلیارد دلار واردات داشتیم!

قصد روحانی از ارائه این آمار ظاهر دفاع از کارنامه اقتصادی دولت و پاسخی بود به کسانی که عملکرد اقتصادی دولت را نامطلوب و فقر ز ا می دانند. با این همه این آمارها از هر منظری که نگریسته شود گویای تشدید وابستگی اقتصاد ایران به نفت و ناکامی حکومت در قطع این وابستگی و متحقق نشدن یکی از وعده های داده شده سران حکومت در هنگام انقلاب ۵۷ است!

گزارش رئیس جمهور در مورد واردات و صادرات که وی آنرا نکته قوت عملکرد دولت اش می داند، نه تنها نقطه قوت نیست بلکه از نقاط ضعف جدی او محسوب می شود و اصلا بسود او نیست.

عملکرد دولت در حیطه توزیع درآمد و رفاه ۴۲ سال بعد از انقلابی که با شعارهای هم چون استقلال آزادی و عدالت اجتماعی بوقوع پیوست اما بسی سیاهتر از کارنامه صادرات و واردات او و حکومت است. نتیجه اش وجود همین فقر و فلاکت بالغ بر ۶۰ میلیون نفر جمعیت زیر خط فقر و فقر مطلق، شکاف طبقاتی و تبدیل نان به دغدغه همه روزه میلیونها شهروند کشور از یکسو و افزایش نجومی ثروت اشرافیت حاکم و دوقطبی شدن بیشتر جامعه است. کارنامه اقتصادی سیاه روحانی البته بر خلاف آنکه رقبای حکومتی وی شیادانه ادعا می کنند تنها از آن روحانی نیست بلکه کارنامه همه دولتها، جناح ها و سرکردگان حکومت از صدر تا ذیل در ۴ دهه گذشته است. اگر بجای روحانی رئیسی یا قالیباف و هرکدام دیگر از کاندیداهای رد شده از فیلتر شورای نگهبان و دستگاه های امنیتی رئیس جمهور می شد، نمی توانست در سیستم فاسد و ناکارآمد فقاقتی کارنامه بهتری داشته باشد. مگر کارنامه اقتصادی احمدی نژاد رئیس جمهور نورچشمی محافظه کاران که به گفته خامنه ای از همه به او نزدیکتر بود آنجا که مربوط به چه مزیتی نسبت به کارنامه روحانی داشت؟ روحانی در واقع همان برنامه های اقتصادی احمدی نژاد را با رنگ و لعاب تازه و مانورهای شیادانه پیش برد، روحانی که به تنهایی و بدون تائید ولی فقیه



نمی توانست قدم از قدم بردارد! بهر حال کار روحانی و دولت اش تا چند ماه دیگر به اتمام می رسد و اگر تا آن زمان رخداد دگرگونه کننده‌ای که وقوع آن نامحتمل هم نیست روی ندهد، محافظه کاران مخالف روحانی کنترل ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستا را نیز به مانند مجلس به دست خواهند گرفت. و همان برنامه ها را پیش خواهند برد.

یکی از شعارهای انقلاب ۵۷ استقلال اقتصادی و در ارتباط با آن رهایی کشور از اقتصاد تک محصولی و نفت و رشد اقتصاد ملی بود. با این وجود این شعار نیز نه تنها به مانند شعارهای عدالت اجتماعی و آزادی عملی نشدند بل که ما از این لحاظ نیز دچار پست رفت شدیم. امروزه با وجودگذشت ۴۲ سال از انقلاب اقتصاد کشور حتی بیشتر از ۴۲ سال پیش تک محصولی و متکی به نفت است. "مهدی پارسا عضو سابق شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی- رییس هیات‌مدیره فدراسیون انرژی در مطلبی که ۷ بهمن در روزنامه "جهان صنعت" در ارتباط با کلنجار مجلس و دولت بر سر برنامه بودجه نگاشت " توسعه صادرات غیرنفتی به ویژه صادرات تولیدات صنعتی، خدمات فنی و مهندسی" را بعنوان راهکار ایجاد درآمد مطرح کرد و نظری را مطرح کرد که فعلا نه دغدغه مجلس و دولت است و نه امکانات آن مهیاست. شاید بهمین خاطر او در ادامه‌پس از اشاره به سابقه مصرف درآمدهای نفتی در کشور و سرآمدن دوران سوخت های فسیلی تا سال ۲۰۵۰ رهایی اقتصاد ایران از نفت را تا آن زمان نامیسر خواند. یعنی اینکه خلاصی از اقتصاد نفتی برای همیشه با وجود وضعیت موجود را ظاهرا قرار نیست مردم هرگز تجربه کنند زیرا که همه فرصتها را حکومت سوزانده است و شعار اقتصاد مقاومتی " خامنه‌ای هم ول معطل است. این مقام کارفرمایی در پایان برای اینکه کارفرمایان را از زیر فشار درخواست افزایش دستمزد کارگران خلاص کند و نقش منجمد کردن دستمزدها در فقر کارگران را ماست مالی کند، بعنوان راه حل مبارزه با فقر پیشنهاد توزیع عادلانه درآمدهای نفتی را داد و نوشت: "مسوولان نظام تصمیم به تقسیم عادلانه درآمد نفتی میان تمامی آحاد ملت گرفته تا از این طریق منجر به از بین بردن فقر و بالا بردن ضریب جینی شوند. پیشنهاد ما این است که بررسی این موضوع را به صورت یک پدیده غیرقابل چشم‌پوشی به توجه مسوولان تحقیقاتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سایر منابع تحقیقاتی رسمی کشور رسانده، گزارشات کاربردی. لازم برای ایجاد عدالت و حذف نابرابری در جامعه ارائه دهند. از این صریحتر از زبان یک مقام کارفرمایی نمی توان به شکست برنامه های اقتصادی -اجتماعی حکومت و بی آیندگی آن صحنه نهاد. منتهی این کارشناس و مقام کارفرمایی قضیه پیگیری کار کارشناسانه در مورد پیشنهادات اش را به نهادهای خواست بسپارند که وضعیت موجود بخشا محصول و نتیجه کارشناسیهای تا کنونی آنهاست. .

میزان واردات از خارج طی حداقل ۳۰ سال گذشته بیش از صادرات بوده است. همین چند هفته پیش فرشید مومنی اقتصاد دانی که منتقد سیاستهای اقتصادی دولت روحانی و احمدی نژاد هم بوده با استناد به آمار و ارقام کارشناسی نشان داد که میزان واردات در دوران ریاست جمهوری روحانی بیش از سه میلیارد دلار بیشتر از صادرات بوده است. آمار ۲۸ میلیارد صادرات غیر نفتی داده شده توسط روحانی نیز به احتمال زیاد آماری تحریف شده است که صادرات محصولات پتروشیمی را نیز بر حسب عادت جزء صادرات غیر نفتی جا زده است. بی تردید نابودی بخش بزرگی از واحدهای تولیدی کشور که قبلا بخش بزرگی از کالاهای مورد نیاز جامعه را تولید می کردند و زیر لوای خصوصی سازی از تولید بازمانده‌اند و همچنین نفوذ گسترده نمایندگان سرمایه داری تجاری و دلال در حکومت از آن جمله جریاناتی مانند مونتلفه اسلامی که اکنون جز منتقدان محافظه کار روحانی هستند در افزایش



واردات و تشدید وابستگی اقتصاد به نفت نقش مخرب و غیر قابل کتمان داشته‌اند. حالا نیز هر کس که بجای روحانی بیاید می‌خواهد همین رویه را با اندکی تغییر ظاهری ادامه دهد. هیچ کدام از جناح‌ها برنامه مدون دیگری به غیر از آنچه تا کنون پیش رفته ندارد. آنهایی که مباحث داخل مجلس و رسانه‌های مربوط به محافظه کاران را دنبال می‌کنند بخوبی متوجه قضایا هستند. خلاصه کلام تاینکه تغییر و تحول جدی در اوضاع اقتصادی و معیشتی اگر باید بیفتد که اجتناب پذیر می‌نماید در خارج از حکومت و در خیابان است که باید رقم بخورد. این واقعیت را گروه‌های اجتماعی مختلف که بیشترین لطامات را از بابت سیاستهای اقتصادی اجتماعی حکومت دیده‌اند خوب می‌فهمند بهمین جهت است که فریاد حق مان را در کف خیابان باید بگیریم توده‌های ستمدیده و محروم روز به روز پر طنین تر از خیابانهای شهرها و کارخانها شنیده می‌شود. دوران فریب مردم با جنگ‌های زرگری میان جناح‌های حکومتی و انتخابات فرمایشی به سر آمده. توده‌های مردم امروزه آگاهتر و با تجربه تر از آن هستند که فریب تبلیغات حکومتی را بخورند ادامه وضع موجود با جابجای در داخل حکومت نا ممکن گردیده است. اینها شعار نیست واقعیت عریانی است که در جامعه می‌گذرد.



به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پسایرمایه داری" بخش هجدهم

آدام بوث



راه به جلو کدام است: پسایرمایه داری یا سوسیالیسم؟ - ادامه

ثانیاً، در حالی که میسون بر نقش شبکه ها تأکید می کند، بخش بزرگی از فصل آخر کتاب او در تشریح گذار به پسایرمایه داری بر لزوم وجود دولت تأکید دارد تا "قدرت آن به طریقی رادیکال و قاطع مصروف اصلاحات انقلابی شود." به عبارت دیگر صرف نظر از تمام احکام درست میسون در باره تضادهای درونی و کلیدی سرماییه داری و پتانسیل انقلابی موجود در "شبکه" ها، دیدگاه نهائی او ناظر به تغییرات تدریجی و رفرمیستی زیر هدایت دولت، نهایتاً برای رسیدن به گونه دیگری - ولو قدری رادیکالتر - از "سرمایه داری مسئولیت پذیر" است، که مکرراً از زبان رفرمیستهای چپ شنیده می شود.

در تمام این دست مباحث، مسئله نقش دولت جنبه کلیدی دارد. مثلاً میسون به ما می گوید که "دولت در پسایرمایه داری، باید اشکال نوینی از اقتصاد را بپرورد که می توانند به نحوی ارگانیک عمل کنند و پیش بروند." سپس در بحث بر سر تغییرات لازم در محیط کار و در پاسخ به این سؤال که چه چیز شرکتها را وادار خواهد کرد که این اشکال نوین اقتصاد را بپذیرند، می گوید: "قانون و مقررات".





میسون در جای دیگری به ما گفته است: "در یک نظام پسا سرمایه داری، می توان دولت، شرکتها و تعاونیهای عمومی را با اهداف عمیقاً متفاوتی با تغییراتی کم هزینه و مبتنی بر برنامه های رادیکال برای کاهش بدهی های دولتی سازمان داد." در ارتباط با بانکداری و بخش مالی هم گفته است: "سمتگیری متوجه کاستن از پیچیدگی کار این بخشها نخواهد بود... بلکه متوجه ترویج پیچیده ترین اشکال مدیریت مالی سرمایه داری همخوان با توسعه اقتصاد در راستای اتوماسیون بیشتر، کار کمتر، و وفور کالاها و خدمات ارزان یا مجانی خواهد بود."

اما میسون در سراسر توصیف اش از پسا سرمایه داری و گذار به آن، چیزی از این که چه نوع دولتی این گذار را پیش خواهد برد، و کدام طبقه این روند را هدایت خواهد کرد، نمی گوید. تحلیل او نیز، به مشابهت با تحلیلهای رفرمیستی از دولت و گذار به سوسیالیسم، موضوع دولت پسا سرمایه داری را در ابهام باقی می گذارد.

اگر این دولت پسا سرمایه داری همان نسخه خوش خیم دولت بورژوائی نیست، پس می توان نتیجه گرفت که این دولت باید دولتی نوین و کیفیاً متمایز از دولت بورژوائی باشد که توسط توده های "شبه شده" تشکیل می شود تا اهرمهای اصلی اقتصاد را در دست گیرد، و آن را - و جامعه را - به طریقی دموکراتیک هدایت و کنترل کند. اما اگر منظور این باشد، این به واقع چیزی جز یک دولت سوسیالیستی نیست، یعنی یک دولت سالم سوسیالیستی (در مقابل دولت دفورمه و التقاطی کارگری در نظام بوروکراتیک استالینی).

با این حال، به نظر می رسد که میسون با فراخوان به "اصلاحات انقلابی"، در واقع به دولتی از نوع نخست اشاره دارد. او خواهان این است که دولت سرمایه داری به نوعی بر خلاف منافع طبقه حاکم عمل کند، قدرت انحصارات بزرگ را که کنترل جامعه را در دست دارند، از آنها بگیرد، و گذار به جامعه نوینی را سامان دهد در خدمت توده های استثمار شده، که دولت سرمایه داری کنونی آنها را سرکوب می کند. پس باید از او پرسید، چرا باید یک دولت سرمایه داری به گونه ای خلاف موجودیت سرمایه داری عمل کند؟

به واقع، چنان که تجربه یونان در سالهای اخیر و تسلیم سپیراس نشان داد، راه رفرمیستی برای خروج از بحران سرمایه داری وجود ندارد. هر کوششی از این دست، به عوض اقدام علیه بورژوازی و دولت سرمایه داری، با مخالفت تام و تمام طبقه حاکم، مدیای در خدمت آن، و دولت سرمایه داری - که وظیفه سرکوب مقاومت در برابر نیازهای سرمایه را به عهده دارد - روبرو خواهد شد.

تفسیر میسون از اندیشه های مارکس، تحلیل بن بست کنونی سرمایه داری، و دیدگاه او دایر بر آینده سرشار از فراوانی مبتنی بر تکنولوژی و اتوماسیون همگی بابصیرت و الهام بخش اند. با این حال، نتیجه نهائی تفسیر او - به دلیل بدبینی اش نسبت به امکان تغییرات واقعی، جامع و انقلابی، و بی باوری به توان طبقه کارگر سازمانیافته برای تحقق چنین تغییراتی در جامعه - نارسا و ابتر است.

با این وجود علیرغم محدودیتهای کار میسون در کتاب *پسا سرمایه داری*، مطالعه این اثر برای کسانی که می خواهند دیدی کامل و روشنی نسبت به تضادهای درونی سرمایه داری و چگونگی تحول این تضادها در این زمانه اطلاعات و اینترنت داشته باشند، بسیار مفید خواهد بود.

بیمه ی یکادی برای یکاداران!



محاکمه رئیس سازمان خصوصی سازی کافی نیست، اموال عمومی به غارت برده شده را باید برگرداند

صادق



در این هفته بالاخره شعبه اول دادگاه کیفری یک استان تهران حکم «میرعلی اشرف عبدالله پوری حسینی» رئیس سابق سازمان خصوصی سازی به ۱۵ سال زندان را صادر کرد. ظاهراً جرم رئیس پیشین برگرداندن خصوصی سازی آنطور که اعلام کرده اند "اخلال عمومی در نظام تولیدی کشور از طریق واگذاری بنگاه‌های کلان دولتی بدون رعایت تشریفات قانونی و بدون توجه به اجرای سیاست‌های کلان اصل ۴۴ و مقررات مربوطه و کارشناسی بوده است". در مورد تخلفات و زدوبند ها و اختلاسهای که در هنگام ریاست «میرعلی اشرف عبدالله پوری حسینی» بر سازمان خصوصی سازی صورت گرفته جای هیچ شک و تردیدی نیست. اسناد بسیاری از این تخلفات پیش و پس از عزل و محاکمه وی منتشر شده نیز موید بخشی از تخلفات است. بنا بر این جز آن کسانی که از این بابت سودی به جیب زده باشند و به ثروتی رسیده باشند و رؤسای او در دولت، هیچ کس نمی تواند با محکومیت وی مخالف و از آن متأسف باشد. اما ما می دانیم که این گونه محاکمات بیشتر از آنکه برای مجازات اختلاسگران و بازگرداندن اموال به غارت رفته عمومی باشد گزینشی و از روی رقابتها و تصفیه های درون حکومتی بر سر سهم و افرادی است که واحدهای اقتصادی عمومی را به قیمتهای بسیار کم با مبلغ کمی پیش قسط با کمک و مساعدت مدیران سازمان خصوصی و دیگر مسئولین دولتی سازی تصاحب کرده اند. تعداد موسساتی که به این صورت توسط سازمان خصوصی به خود های حکومتی واگذار گردیده بسیار زیاده هستند. اما اسامی تعداد معدودی از کلان ترین شان امثال ماشین سازی تبریز، کشت و صنعت مغان، نیشکر هفته، هپکو، آذرآب... منتشر شده اند. بیشتر آنها نیز توسط کارگران خود آن موسسات صورت گرفته. از قبل نیز این مسائل برای مقامات دولتی و حکومتی و قوه قضائیه اظهر و من الشمس بوده است اما تا قبل از رقابت رئیسی و روحانی بر سر ریاست جمهوری خبری از پیگرد رئیس سازمان خصوصی که او هم مهره دولت بوده است نبوده است. در واقع می توان گفت که محاکمه رئیس سازمان خصوصی سازی، برادر روحانی و برادر جهانگیری معاون اول روحانی متأثر از درگیری آنها با دارودسته رئیسی است. مبارزات کارگران موسسات خصوصی سازی شده در افشای غارتگری های انجام شده در جریان واگذاری بازتاب اجتماعی وسیعی پیدا کرده و دست مقامات دولتی و حکومتی را در پوست گردو قرار داده و در مواردی مقامات دولتی و قضایی را وادار به لغو بعضی از موسسات واگذار شده



نموده است. پیداست که هدف کارگران موسسات خصوصی شده متضاد با هدفهایی است که قوه قضایی مد نظر دارد. با این حال دارودسته رئیسی می کوشند از مخالفت و مبارزه به حق کارگران علیه سیاست خصوصی سازی به عنوان پشتوانه چه می شود؟ اجتماعی علیه رقبایشان سوء استفاده کنند. حالا پرسش اساسی این است، رئیس سازمان خصوصی سازی را که هزاران میلیارد از اموال عمومی را به تاراج داده و ضربات جبران ناپذیری بر پیکر تولید وارد و دهها هزار نفر را بیکار نموده است، چرا فقط به ۱۵ سال زندان محکوم کردید؟ دادگاه ثروتی که او از این راه به دست آورده را هم از او پس گرفته است؟ دادگاه با صاحبان موسساتی که او با یک دهم قیمت فروخته چه می خواهد بکنند؟ آنها را پس می گیرند؟ تکلیف کارگرانی که به دلیل اعتراض به خصوصی سازی های زندانی و اخراج و کتک خورده اند چه می شود؟ اگر مقامات قضایی جدا مخالف فسادها و اختلاسهای انجام شده در جریان واگذاری موسسات عمومی هستید، چرا امثال اسد بیگی ها را با آن همه تخلف آزاد می کنید ولی ۲۸ کارگر هفت تپه را که فسادهای وی را افشا و با او مبارزه کرده اند به دادگاه احضار می کنید؟ این تناقضات نشان می دهند که ادعای مبارزه با فساد دستگاه قضایی را نباید جدی گرفت

محکومیت رئیس سازمان خصوصی سازی کافی نیست، خصوصی سازی را باید متوقف کرد و اموال عمومی به غارت برده شده را به صاحبان اش برگرداند!



خصوصی سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



تظاهرات سراسری هزاران بازنشسته با شعار (تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم)

در ۷ بهمن بار دیگر هزاران بازنشسته فقر زده تامین اجتماعی به دعوت تشکلهای مستقل خود در دهها شهر به خیابانها سرازیر شدند تا خشم و نارضایتی عمیق خود را از دولتمردان و وضعیت زندگی شان به نمایش بگذارند و آنها را وادار نمایند به مطالبات شان پاسخ درخور دهند.

بازنشستگان در تظاهرات شان با سردادن شعارهای همچون، گرانی و تورم بالای جان مردم، وعده وعید کافیه سفره هامون خالیه، مسئول بی کفایت استعفا، استعفاء، شعارمان این زمان معشیت است و درمان عمده ترین مطالبات و دلایل اعتراض شان را اعلام کردند. ::

افزایش حقوق بازنشستگی، همسان سازی واقعی حقوق تمام بازنشستگان، بیمه درمانی کامل، تحصیل و درمان رایگان، پرداخت بدهی های دولت به تامین اجتماعی، پایان دادن به تبعیضات، مهمترین مطالبات مشترک اجتماعات اعتراضی بازنشستگان در شهرهای مختلف بود که توسط تشکلهای برگزار کننده بخوبی هماهنگ شده بودند. در تبریز نیروهای امنیتی تلاش کردند با حمله به تجمع بازنشستگان مانع از ادامه تجمع و اعلام قطعنامه شان شوند. اما این اقدام آنها به طرح بیشتر اخبار تجمع بازنشستگان هم در تبریز و هم در سایر شهرها منجر شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد، گروه اتحاد بازنشستگان و اتحادیه آزاد کارگران در اعلامیه های جداگانه ضمن دفاع از حق اعتصاب و اعتراض و فعالیت تشکلهای حمله نیروهای امنیتی به تجمع بازنشستگان در تبریز را محکوم نمودند. گفتنی است که گروه ها و تشکلهای کارگری و دانشجویی از جمله سندیکای کارگران هفت تپه پیشاپیش از فراخوان تشکلهای مستقل بازنشستگان و از مطالبات آنها حمایت کرده بودند. تشکلهای حکومتی وابسته به خانه کارگر که نگران گسترش روز افزون نفوذ تشکلهای مستقل در میان زحمتکشان و انزوای بیشتر خود هستند و به آنها به چشم رقیب نگاه می کنند، در یک کوشش نافرجام سعی کردند با فراخوانی جداگانه و برگزاری تجمع دیگری در میان بازنشستگان تفرقه بیندازند اما استقبال گسترده از فراخوان تشکلهای مستقل نقشه آنها را نقش بر آب نمود. بازنشستگان با تاکید دوباره بر انتخاب خیابان برای گرفتن حق و استقلال خود از هر نوع وابستگی به تلاشهای توطئه گرانه دارودسته حکومتی محبوب و حسن صادقی و دیگر جیره خوران حکومتی پاسخ شایسته دادند.



تجمع معلمان حق التدریسی در آبادان

در ادامه اعتراضات پیاپی معلمان حق التدریسی در شهرهای مختلف در ماه های اخیر، در این هفته نیز معلمان حق التدریسی در آبادان با شرکت در یک تجمع اعتراضی نسبت به بلاتکلیفی وضعیت استخدامی شان اعتراض نموده و با تاکید بر نداشتن امنیت شغلی و دستمزد مناسب خواستار استخدام توسط وزارت آموزش و پرورش شدند و رفع تبعیضات مزدی و شغلی شدند. شایان ذکر است که آموزش و پرورش با اینکه از کمبود کادر آموزشی در رنج است اما از استخدام معلمان حق التدریسی که هم سابقه تدریس و مدرک تحصیلی مرتبط با رشته معلمی دارند طفره می رود زیرا مایل نیست به سئو استفاده استثمارگرانه از معلمان حق التدریسی خاتمه دهد.

اعتصاب کارگران ابنیه فنی در اراک

۱۸۰ کارگر ابنیه فنی راه آهن اراک در ۴ بهمن در اعتراض به پرداخت نشدن طلب مزدی سه ماه گذشته شان و چند مطالبه صنفی دیگر اعتصاب کردند. کارگران ابنیه فنی همچنین خواستار استخدام مستقیم توسط شرکت راه آهن هستند اعتراض دیگر آنها تهدید کارگران به اخراج بخاطر شرکت در اعتصاب توسط کارفرماست. کارگران اعتصابی همچنین خواستار دادن به موقع و منظم لباس کار و وسایل ایمنی و رفاهی هستند. کارگران ابنیه فنی در سراسر کشور بارها با خواست لغو کار پیمانی اعتصاب کرده اند. کار آنها جز کارهای دارای ماهیت دائم و مستمر است و دلیل موجه ای برای سپردن آن به شرکت های پیمانکاری وجود ندارد. بخشی از دستمزد این کارگران بدون هیچ دلیل موجه ای از آنها سلب و به جیب پیمانکار که نقش دلال را دارد ریخته می شود. از آن بدتر اینکه صاحبان شرکت های پیمانکاری همانطور که کارگران گفته اند حاضر به دادن حق و حقوق کارگران خود هم نیستند.

تداوم اعتراضات پرستاران

اعتراضات پرستاران نسبت به دستمزد و حقوق پائین، پرداخت نشدن به موقع دستمزدها، اندک بودن کارانه، کار شرکتی، فشار کاری مضاعف در بیمارستان های مختلف همچنان ادامه دارند. مسئولین دولتی و کارفرمایان با وجود وعده های مکرر مبنی بر رسیدگی به مطالبات پرستاران در عمل اما حتی قوانین و مقررات مصوب خودشان را به راحتی آب خوردن زیر پا می گذارند و پرستاران را در موقعیتی قرار می دهند که چاره ای غیر از اعتراض برایشان باقی نمی گذارند. پرستاران نیز می دانند اگر اعتراض نکنند وضعشان از این که هست بدتر خواهد شد. در این هفته پرستاران بیمارستان مرکزی شیراز دوباره بخاطر بی توجهی و خلف وعده های مکرر مسئولین تجمع نمودند. اعتراض این بار پرستاران به اندک بودن دستمزد در شرایط کرونایی و طفره صاحب بیمارستان از اجرای بخشنامه اخیر وزارت کار و بخشنامه های دیگر دولتی است. آیا برای اجرای قانون و بخشنامه های دولتی هم باید اعتراض و اعتصاب کرد؟ چرا وقتی کارفرمایی به راحتی قوانین را لگد مال می ادارات کار و دیگر نهادهای دولتی ذیربط برای وادار کردن کارفرمایان به رعایت قوانین و بخشنامه ها اقدامی نمی کنند.

تجمع اعتراضی کارکنان شرکت نفت در تهران

کانال تلگرامی کانون مدافعان حقوق کارگر از بازداشت عده ای از کارکنان نفت در هنگام برگزاری یک تجمع صنفی در ۴ بهمن خبر داده است. مطالبات و انگیزه این تجمع بنا به گزارش کانال تلگرامی کانون مدافعان حقوق کارگر:

"کارکنان شرکت نفت جهت پیگیری مطالبات صنفی خود از قبیل اجرای ماده ده معیشتی، درمان، تحصیل و تعدیل مدرک سازمان بازنشستگی مقابل وزارت نفت در خیابان طالقانی تهران تجمع صنفی برگزار کردند که با دخالت نیروهای انتظامی مواجه شده و عده ای را بازداشت کردند".



اعتراض کارکنان نفت در این اواخر به نظر می رسد محدود به شرکتهای پیمانکاری فعال در صنعت نفت باقی نمانده و دامنه آن به میان کارکنان رسمی شرکت نفت هم تعمیم پیدا کرده است. این در حالی ست که مدیران شرکت نفت تلاش زیادی برای دور نگاه داشتن کارکنان نفت از اعتصابات انجام داده اند. شروع اعتراضات در میان کارکنان رسمی ضمن اینکه حاکی از شکست این تلاشهاست بیانگر نارضایتی شدید در میان کارگران رسمی نفت از دستمزدها و شرایط شغلی شان است.

اعتصاب کارگران پتروشیمی در سنج

کارگران پتروشیمی سنج در ۶ بهمن در اعتراض به نا مناسب بودن دستمزدهای شان اعتصاب کردند. خواست اصلی کارگران اعتصابی افزایش مکفی دستمزدها متناسب با هزینه های واقعی زندگی است. با وجود گذشت دو روز این اعتصاب به خاطر موافقت نکردن مدیران و مسئولین با افزایش دستمزد و تهدید کارگران به اخراج ادامه پیدا کرده است.

کارگران روزمزد در تجمعی اعتراضی در زاهدان خواستار کار یا بیمه بیکاری شدند

گروه کثیری از کارگران روزمزد که در اثر کرونا پیدا کردن کار برایشان دشوارتر از گذشته شده و بدون هر گونه حمایتی به حال خود رها شده اند، در ۶ بهمن به امید اینکه گوش شنوایی در میان مسئولین برای شنیدن خواسته هایشان پیدا کنند تجمع نمودند. کارگران معترض در تجمع شان پس از تشریح وضعیت وخیم معیشتی خود و انتقاد از بی توجهی مسئولین به وضعیت شان و اینکه برای امرار معاش مجبور به فروش اساسیه خانه هایشان و به کانکس نشینی در حاشیه شهر شده اند، خواستار دادن کار یا پرداخت حقوق دوران بیکاری شدند. آنها همچنین نسبت به محروم ماندن از بیمه معترض هستند. تا کنون هیچ گزارشی از واکنش مسئولین نسبت به این تجمع داده نشده است.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان

کرونا را تامین کند!